

درآمدی بر معرفت‌شناسی نوسعدرایی (۱)

تحلیل معرفت

دکتر عبدالحسین خسروپناه -

مهندس عاشوری



مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

(دفتر مطالعات و نشر آموختن حکمت و فلسفه ایران)

تهران ۱۳۹۲

سرشناسه	: خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: تحلیل معرفت: درآمدی بر معرفت‌شناسی/ عبدالحسین خسروپناه، مهدی عاشوری.
مشخصات نشر	: تهران : موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۲ -
مشخصات ظاهری	: ۳ ج. ۲۱/۵×۱۴/۵۱سم.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۰۹-۱۱-۶ ج. ۱
وضعیت فهرست نویسی	: فنی
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: درآمدی بر معرفت‌شناسی.
موضوع	: صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	: شناخت (فلسفه اسلامی)
موضوع	: شناخت (فلسفه)
موضوع	: هستی‌شناسی (فلسفه اسلامی)
شناسه افزوده	: عاشوری، مهدی، ۱۳۵۹ -
شناسه افزوده	: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۵خ۸۵/ع BBR۵۵
رده بندی دیویی	: ۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۰۳۹۹۷



موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
(دفتر مطالعات دانش‌آموختگان حکمت و فلسفه ایران)

تحلیل معرفت

دکتر عبدالحسین خسروپناه - مهدی عاشوری

چاپ اول: ۱۳۹۲

چاپ و صحافی: طرفه

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

حق چاپ و نشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، کوچه شهید آرکلیان، شماره ۴

تلفن: ۶۶۴۰۵۴۴۵، نمابر: ۶۶۹۵۳۳۴۲

ISBN 978-600-7009-11-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۰۹-۱۱-۶

www.irip.ir

فهرست

سخن نخست.....	۷
فصل اول. معرفت‌شناسی نو صدرایی	۱۱
فصل دوم. علم حضوری و مناطق حقیقی معرفت	۳۳
فصل سوم. معرفت‌نموری و تصدیقی	۶۳
فصل چهارم. قضیه تحلیل معرفت‌شناختی آن	۸۹
فصل پنجم. شناخت کلی	۱۱۳
فصل ششم. شناخت مفهومی و انتزاعی	۱۴۹
فصل هفتم. شناخت اعتباری	۱۷۵
فصل هشتم. ظن و یقین در معرفت تصدیقی	۲۰۵
فصل نهم. معرفت روشمند و دانش‌مدون	۲۲۷
فصل دهم. معرفت در معرفت‌شناسی معاصر و نو صدرایی	۲۷۱
فهرست تفصیلی	۲۹۳
منابع	۲۹۹
نمایه	۳۰۹

سخن نخست

بسیاری از مباحث و مسائلی که در فضای فکری جامعه امروز مطرح است، خاستگاهی در آراء معرفت‌شناسانه دارد و معرفت‌شناسی مبنای موردنیاز برای بررسی روش‌شناسی و فلسفه علوم است. معرفت‌شناسی دانشی است که در باب معرفت و شناخت نظریه‌پردازی می‌کند و در باب ماهیت، حدود، پیش‌فرضها و مبنای معرفت نظریه‌پردازی می‌کند و شامل معرفت‌شناسی مطلق و معرفت‌شناسی مضاف مانند معرفت‌شناسی علم، معرفت‌شناسی معرفت دینی، معرفت‌شناسی عرفان و شهود و دیگر گونه‌های معرفتی است. بر اساس رویکردهای فلسفی، معرفت‌شناس و فیلسوف معرفت نظریه‌پردازی خویش را بر یکی از رویکردهای زیر استوار داشته‌است:

معرفت‌شناسی‌های مبتنی بر فلسفه اسلامی، در این سنت فلسفی چندین نظام معرفت‌شناسی وجود دارد و یا می‌توان بر اساس نظرات فیلسوفان مسلمان آنها را تنسیق و تدوین نمود، مانند نظام معرفت‌شناسی سینوی، صدرایی یا نوصدرایی.

معرفت‌شناسی‌های مدرن که مبتنی بر آراء فیلسوفان عقلگرا یا تجربه‌گرای قرون جدید غرب هستند و نظامهای معرفت‌شناختی دکارت، لاک، هیوم و کانت از اهمیتی بسیار برخوردارند.

معرفت‌شناسی‌های مبتنی بر فلسفه تحلیلی که عموماً با عنوان «معرفت‌شناسی معاصر» (Contemporary Epistemology) از آن یاد می‌شود.

معرفت‌شناسی‌های مبتنی بر فلسفه‌های اروپایی مانند هرمنوتیک فلسفی، ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی و مانند آن.

مرگ معرفت‌شناسی نیز رویکردی در میان فلسفه‌های پست‌مدرن است که منکر امکان دانشی مدون در باب معرفت است.

بحث و تحقیق فلسفی در باب معرفت از آغاز این‌گونه تأملات وجود داشته و در آثار فلسفی بجامانده از پیش از سقراط در دفاع و نقد شک‌گرایی مباحثات فراوان باقی مانده که می‌توان به دلایل ده‌گانه طرفداران شک‌گرایی در دفاع از این نظر و دلایل سه‌گانه آنان علیه امکان شناخت علل اشیاء از طریق پدیده‌ها و تلاش مخالفان به ویژه سقراط و افلاطون در نقض این

ادله و حل مشکلات شک‌گرایی یاد کرد؛ ارسطو نیز با نظریه‌پردازی در باب قوای ادراکی نفس تلاش کرده‌است به صورت حلی ابزارهای شناخت را معرفی و اثبات نماید. با وجود آنکه در قرون وسطی مسأله رئالیسم و نومینالیسم دارای نکات معرفت‌شناختی است اما در عصر جدید و پس از نظرات دکارت در پاسخ به شک‌گرایی جدید و مورد سؤال قرار گرفتن منشأ مفاهیم و تصورات توسط لاک بود که معرفت‌کانون نظریه‌پردازیهای فلسفی قرار گرفت. بسیاری از پرسشهای معرفت‌شناسی مبتنی بر فلسفه‌های جدید با ترجمه رساله‌ها و کتابها و تألیف کتاب «سیر حکمت در اروپا» و رواج برخی ترجمه‌های عربی از این آثار در دهه دوم و سوم قرن حاضر در میان اندیشمندان ایرانی مطرح شد.

فیلسوفان مسلمان به وجوه و حیثیتهای مختلفی از معرفت و ادراک توجه کرده و در باب آن نظریه‌های فلسفی پرداخته و تدوین نموده‌اند، اما با وجود تأملات و نظریه‌ها در باب علم، معرفت و ادراک تا چند دهه اخیر «فلسفه معرفت» مورد اهتمام جدی فیلسوفان مسلمان نبوده و هر یک از مسائل و نظریه‌ها برای تبیین برخی مشکلات و چالشهای هستی‌شناسانه یا نفس‌شناسانه مورد توجه قرار گرفته‌بودند و نگارش مقالات دوم تا پنجم «اصول فلسفه و روش رئالیسم» نقطه عطف «فلسفه معرفت» در فلسفه اسلامی است. انتشار مقالات اصول فلسفه در عصری که افکار فلسفی مادی چون مینسکی ویرانگر هجوم آورده بود، توانست سدی در برابر این سیل باشد؛ اما آن گونه که شایسته این مقالات بود، در جوامع علمی مورد ارزیابی و تکمیل قرار نگرفت.

نوآوری اصلی علامه طباطبائی پردازش نظریه‌ای معرفت‌شناسانه است که به صورت تحلیلی «حیثیت حکایی ادراک» را موضوع خویش قرار داده‌است و بر اساس دو مبدأ تصدیقی که از آنها با عنوان اصول رئالیسم یاد می‌کند و با تکیه بر تحلیل مفاهیم و مادی‌تصورى مورد توجه و مقدمه قرار دادن وجدانیات به تصریح خویش شصت و چهار مسأله را تحلیل و اثبات می‌نماید. البته این نهال نیم قرن پس از نگارش به بار نشست و از اواسط دهه هفتاد «معرفت‌شناسی نو صدرایی» به یک برنامه پژوهشی پویا و فعال تبدیل گشت.

فیلسوفان تحلیلی در قرن بیستم پرسشها، چالشها و نظریه‌های جدیدی در معرفت‌شناسی ارائه کردند که عموماً با عنوان «معرفت‌شناسی معاصر» (Contemporary Epistemology) از آن یاد می‌شود. (Dancy, ۱۹۸۹) پرسشها و ساختار این نظام نیز در شکوفایی معرفت‌شناسی نو صدرایی در دهه اخیر مؤثر بوده‌است.

در میان نسل اول شاگردان علامه استاد مطهری در اواخر عمر شریف خویش بیش از همه در این حوزه ورود یافتند و می‌توان «مسأله شناخت» را اولین اثر مستقل در «معرفت‌شناسی نوصدرایی» دانست، زیرا معرفت و مطلق شناخت موضوع بحثهای نظری قرار می‌دهند، استاد سبحانی در کتاب «نظریه المعرفة» و «شناخت در فلسفه اسلامی» به ارزیابی، تحریر و تکمیل شناخت‌شناسی استاد مطهری پرداختند. اما آنچه در استقلال «شناخت‌شناسی» تأثیر بسیار داشت، اختصاص بخش اول «آموزش فلسفه» به این مباحث بود. استاد مصباح یزدی با تبویب و تنظیم آموزشی و با الهام‌گیری و تحریر و تکمیل مقالات اصول فلسفه این مباحث را تألیف نمودند؛ این اثر و هدایت طلاب توسط آن بزرگوار بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری «معرفت‌شناسی نوصدرایی» داشته‌است. در نسل اول شاگردان علامه، آراء استاد جوادی آملی که ویراست اول آن تحت عنوان «شناخت‌شناسی در قرآن» و تنظیم مجدد آن تحت عنوان «معرفت‌شناسی» منتشر شده‌است؛ در پیچ‌های جدید در معرفت‌شناسی گشود.

معرفت‌شناسی نوصدرایی از اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد به حوزه‌ای پویا تبدیل شد و از تک‌نگاشتهای پراکنده به یک برنامه پژوهشی که فی‌الجمله دارای اصول و ادبات مشترک است تبدیل شد. علاوه بر انتشار کتابهای پژوهشی، بخش اعظمی از مقالات نشریات تخصصی و پژوهشی به انتشار مقالاتی با مسائل معرفت‌شناختی اختصاص یافت. با این حال آنچه بیش از اظهارنظر درباره مسائل شناخت اهمیت دارد، ارائه نظام و دانشی مدون است که متفکر دیدگاههای خویش را چنان سامان دهد که در عین سازگاری درونی بتواند پاسخگوی پرسشها و مشکلات آن عرصه باشد.

نوشته حاضر بخش اول گزارش، شرح و سنجش آراء نوصدرائیان در معرفت‌شناسی است که تلاش نموده‌است به صورت گام به گام، مباحث معرفت‌شناختی را مانند مباحث هستی‌شناختی آنگونه که شایسته شأن حکمت اسلامی است، مورد موشکافی فلسفی قرار دهد. ویراست اول این تحقیق طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ محدود به آراء علامه طباطبایی، استاد مطهری، استاد مصباح یزدی و استاد جوادی آملی آماده گشت، اما نتایج آن تحقیق نشان داد، فهم صحیح این آراء اولاً در گروی تقریر ادبیات و پیشینه آن در حکمت اسلامی، به ویژه آراء بوعلی و ملاصدرا است و همچنین تحقیقات و آثار یک دهه اخیر توسط نسل دوم نوصدرائیان بر غنای معرفت‌شناسی نوصدرایی افزوده که لازم است در تکمیل این تحقیق مورد توجه جدی قرار گیرد. مجلد حاضر عهده‌دار توضیح و رفع ابهامات در مبادی تصویری و مبادی تصدیقی

«معرفت نوصدرایی» است تا در بخشهای آینده به دو پرسش اصلی رئالیسم معرفتی یعنی «ارزش شناخت» و «تحصیل معرفت» پردازد.

مدعای اصلی این مجلد این است که «فلسفه معرفت» در اندیشه نوصدرایی که شامل دو بخش «هستی‌شناسی شناخت» و «معرفت‌شناسی» است، علی‌الاصول باید دارای انسجام باشد و نوصدرائیان از همان مفاهیم و ادله‌ای در معرفت‌شناسی استفاده کنند که مبتنی بر حکمت صدرایی است، اما در مقام تحقق مشاهده می‌شود این مفاهیم گاه دچار تعدد معنا شده و مقصود از مفاهیمی چون تصور، تصدیق، علم حصولی، ادراک و مانند آن با آنچه در «هستی‌شناسی شناخت» آمده تفاوتی دارد. هدف از این مجلد بازشناسی و بازسازی مبادی تصویری و تصدیقی «معرفت‌شناسی نوصدرایی» سازگار با نظریات و لوازم «هستی‌شناسی شناخت» در حکمت صدرایی است. در این مقام تمایز «معرفت» از «علم» و «دانش عینی» راهگشاست.

در اینجا لازم است از حمایت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر کلانتری مدیر وقت حوزه علوم اسلامی شهید بهشتی و دکتر کشفی مدرس وقت آن حوزه که در ویراست اول این تحقیق یاری نمودند و پیگیری مجدانه مسئولین مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، که در به سرانجام رساندن این پژوهش نقش ویژه داشته‌اند تشکر نماییم و از همه خوانندگان محترم درخواست داریم با مطالعه این اثر، نویسندگان را از نظرات خود بهره‌مند سازند.

عبدالحسین خسروپناه - مهدی عاشوری

جمادی الاولی ۱۴۳۴